

تفسیر سورہ

اعلیٰ

سیمای سوره اعلی

این سوره نوزده آیه دارد و در مکه نازل شده است. سوره‌هایی را که با فرمان تسبیح خداوند آغاز می‌شود، مسبّحات گویند و سوره اعلی، آخرین سوره از سور مسبّحات است. نام سوره، برگرفته از آیه اول است که خداوند را با وصف «اعلی» توصیف می‌کند. مطالب سوره به دو بخش تقسیم می‌شود که بخش اول، خطاب به پیامبر گرامی اسلام و بخش دوم درباره مؤمنان و کافران و عوامل سعادت و شقاوت این دو گروه است. در روایات سفارش شده است که در نماز عید (فطر و قربان)، در رکعت اول سوره اعلی خوانده شود.^(۱)

۱. تفسیر نور الثقلین.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿ ۲ ﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ﴿ ۳ ﴾ وَالَّذِي
قَدَّرَ فَهَدَى ﴿ ۴ ﴾ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿ ۵ ﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى

(۱) نام پروردگار بلندمرتبهات را به پاکی یاد کن. (۲) همان که آفرید و سامان بخشید. (۳) و آنکه (هر چیز را) اندازه‌ای نهاد و هدایت کرد. (۴) آنکه (گیاه) چراگاه را رویانید. (۵) و سرانجام آن را خشک و تیره کرد.

نکته‌ها:

- تسبیح نام خدا، یعنی نه فقط برای ذات خداوند، شریک قائل نشویم، بلکه حتی برای نام او نیز شریک نیاوریم و نام دیگران را هم ردیف نام خداوند قرار ندهیم. چنانکه برخی گروه‌های التقاطی می‌گفتند: «به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران»
- در قرآن و حدیث نشانه‌های زیادی است که اسلام به محترم شمردن نام‌های مقدّس عنایت دارد. چنانکه در این سوره می‌فرماید: علاوه بر تسبیح ذات، اسم پروردگار را هم باید منزّه بدانیم. در جای دیگر می‌فرماید: نام پیامبر را مثل نام‌های خودتان ساده نبرید: ﴿لَا تَجْعَلُوا دَعَاءَ الرَّسُولِ كَدَعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا﴾^(۱) در جای دیگر می‌فرماید: چرا فرشتگان را به نام زن می‌خوانند: ﴿لَيْسَمُنَ الْمَلَائِكَةُ تَسْمِيَةَ الْإِنثَى﴾^(۲) و پیامبر اسلام نام‌های نامناسب یاران را تغییر می‌دادند.

۱. نور، ۶۳.

۲. نجم، ۲۷.

□ مسئله آفرینش و هدایت، در آیه پنجاه سوره طه نیز آمده است، آنجا که فرعون از حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام پرسید: پروردگار شما کیست؟ گفت: «رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» ناگفته پیداست که مراد از این هدایت، هدایت تکوینی است که خداوند در موجودات قرار داده است. مثلاً ساختمان بدن مادر را به گونه‌ای هدایت کرد که شیر تولید کند و نوزاد را هدایت کرد که به سراغ سینه مادر رفته و شد بمکد.

هدایت تکوینی موجودات با مرور زمان بهتر فهمیده می‌شود. همین امر است که هزاران دانشمند را به تحقیق وا داشته که چگونه پرندگان یا ماهی‌ها حتی اگر صدها کیلومتر از جای خود دور شوند باز به محل خود بر می‌گردند. هدایت الهی در هر موجودی چیزی قرار داده که او را به راه تکامل خود پیش می‌برد. ذرات خاک میوه می‌شود، میوه نطفه و سپس انسان، دوباره جسم انسان، خاک می‌شود.

□ «سَوَى» به معنای نظام بخشیدن است. از نظام کهکشانی گرفته تا نظام حاکم بر یک حشره ذره‌بینی. «عُثَاء» یعنی گیاه خشک و خاشاک و «أَحْوَى» به معنای سبزی است که رو به سیاهی باشد.

□ حتی یک برگ کوچک و خاشاک ناچیز هم به حال خود رها شده نیست. سبزه زاری که در دید ما خشک و تیره می‌شود، در نظام هدایت الهی است، زیرا همان برگهای خشکیده به ماده دیگری تبدیل می‌شود که برای قوت و قوت زمین و درخت لازم است یا در شرایط انبوه تبدیل به زغال سنگ شده و یا آثار مفید دیگری در خاک دارد.

پیام‌ها:

۱- نام خداوند مقدّس است. از هرگونه بی‌احترامی به نام او پرهیز کنید. «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ»

۲- اوصاف ناشایست را در کنار نام خدا قرار ندهید. «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ»

۳- نام‌های اختصاصی خداوند را بر دیگران ننهید. «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ»

۴- تسبیح او سبب رشد و پرورش شما است. «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ»

۵- مسئولیت شرک زدایی در درجه اول به دوش رهبر آسمانی و سپس بر عهده

همه مؤمنان است. ﴿سَبِّحْ﴾

۶- توحید کامل در پرتو تنزیه ذات و تسبیح نام اوست. ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ﴾

۷- خداوند، از هرچه گفته و نوشته و تصور شود، برتر است. او در همه کمالات

برتر است. ﴿رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾

۸- خداوند، فقط خالق نیست، بلکه نظام بخش هستی و موجودات است. ﴿خَلَقَ

فَسْوَى﴾

۹- ظرفیت و هدایت موجودات، دلیل بر هدفمندی آفرینش است. ﴿قَدَّرَ فَهْدَى﴾

۱۰- فرمان‌های الهی همراه با حکمت و دلیل است. نام خدا را تسبیح کن، زیرا او

اعلیٰ است، آفرید و سامان داد و هدایت کرد ﴿سَبِّحْ... الْأَعْلَى، خَلَقَ فَسْوَى وَ الَّذِي

قَدَّرَ فَهْدَى﴾

۱۱- هدایت تکوینی آفریده‌ها در چهره‌های مختلفی است، گاهی سبز و گاهی

خشک ولی هر دو در مدار هدایت است. ﴿أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى﴾

﴿٦﴾ سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنْسَىٰ ﴿٧﴾ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ

مَا يَخْفَىٰ

(۶) ما تو را به قرائت درست وامی‌داریم، پس فراموش نخواهی کرد.

(۷) مگر آنچه خدا بخواهد که او بی‌گمان آشکار و نهان را می‌داند.

نکته‌ها:

□ ﴿سنقرئك﴾ از ریشه «قرء» و باب افعال است. «اقراء» در لغت یعنی آنکه قاری بخواند و

استاد گوش بدهد و غلط‌های او را تصحیح کند، اما در مورد پیامبر گرامی اسلام، «اقراء»

یعنی ما قدرتی به تو می‌دهیم که قرآن را بدون کم و کاست و درست بخوانی و آنچه را به تو

نازل شده، فراموش نکنی. ^(۱) ﴿سنقرئك فلا تنسى﴾

۱. تفسیر المیزان.

□ جمله «الا ما شاء الله» استثنایی است که به منظور بیان قدرت مطلقه الهی آمده است تا بفهماند که خداوند قادر است حتی بعد از دادن این قدرت، می‌تواند پیامبر را گرفتار فراموشی کند. (چنانکه درباره بهشتیان می‌فرماید: بهشت برای آنان جاودانه است و عطای خداوند نسبت به آنان قطع و گسسته نمی‌شود، ولی باز هم میان کلمه «خالدین» و «عطاء غیر مجذوذ» می‌فرماید: «الا ما شاء ربك»^(۱) مگر اینکه پروردگارت بخواهد آنان را از بهشت بیرون و لطفش را قطع کند و این بخاطر آن است که بگوید دست خدا بسته نیست.)

پیام‌ها:

- ۱- آفرینش هستی و هدایت تکوینی آن، مقدمه هدایت تشریحی و معنوی انسانهاست. «سنقرئک» (خدایی که گیاه را از درون خاک بیرون می‌کشد، چگونه استعدادهای معنوی انسان را بروز ندهد؟ «سنقرئک»)
- ۲- پیامبر که هر چه دارد از وحی است، نگران فراموش کردن آن در آینده بود که خداوند به او وعده عدم فراموشی داد. «سنقرئک فلا تنسی»
- ۳- رسول خدا ﷺ از هرگونه نسیان، مصون است. «فلا تنسی»
- ۴- پیامبر، حافظ کل قرآن بود. «فلا تنسی» (یکی از معجزات پیامبر اکرم این بود که با یکبار شنیدن برای همیشه حتی آیات طولانی را به یاد داشت).
- ۵- دست خدا بسته نیست و می‌تواند آنچه می‌دهد پس بگیرد. «سنقرئک فلا تنسی
الا ما شاء الله»
- ۶- گرچه خداوند هرگز خلف وعده نمی‌کند «ولن یخلف الله وعده»^(۲) ولی معنای وعده‌های الهی مجبور بودن خداوند نیست. «فلا تنسی الا ما شاء الله»
- ۷- اراده الهی حکیمانه و عالمانه است. «الا ما شاء الله انه یعلم...»
- ۸- اقتضای بعضی از امور آن است که پنهان باشد. «ما یخفی» (کلمه «یخفی» در قالب فعل مضارع بیانگر آن است که مخفی بودن بعضی امور، مقتضای طبیعت آنهاست.)

۱. هود، ۱۰۸.

۲. حج، ۴۷.

﴿ ۸ ﴾ وَنَيْسِرِكَ لَيْسِرَى ﴿ ۹ ﴾ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى
 ﴿ ۱۰ ﴾ سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَى ﴿ ۱۱ ﴾ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿ ۱۲ ﴾ الَّذِي
 يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ﴿ ۱۳ ﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى

(۸) و ما تو را برای آسان‌ترین (راه دعوت) آماده می‌سازیم. (۹) پس تذکر
 بده، (البته) اگر تذکر مفید افتد. (۱۰) هر کس خشیت الهی داشته باشد،
 بزودی پند گیرد. (۱۱) و بدبخت‌ترین افراد از آن دوری کند. (۱۲) همان
 کس که به آتش بزرگ درافتد. (۱۳) پس در آنجا نه بمیرد و نه زندگانی کند.

نکته‌ها:

- حضرت موسی برای موفقیت در انجام تبلیغ، دو چیز از خدا خواست، یکی سعه‌صدر و یکی آسان شدن امر رسالت: ﴿ربِّ اشرح لی صدری و یسر لی امری﴾^(۱) خداوند این دو امر را بدون درخواست، به پیامبر اسلام عطا فرمود. چنانکه درباره سعه‌صدر فرمود: ﴿لم نشرح لك صدرك﴾^(۲) و درباره آسان شدن امر دعوت در این آیه می‌فرماید: ﴿و نيسرك لیسری﴾^(۳).
- مراد از ﴿نيسرك﴾ آن است که ای پیامبر! نفس شریف تو را با خلق عظیم و سعه صدر و صفا و سادگی، چنان مهیا می‌کنیم که بتواند وظیفه رسالت را به آسانی و به بهترین طریق انجام دهد. کاری می‌کنیم که تو خود راه آسان را انتخاب کنی که همان راه فطرت است.^(۴)

شرائط تذکر و موعظه:

- الف: شرط موعظه، آمادگی واعظ است. ﴿نيسرك... فذكر﴾
- ب: تذکر و موعظه باید بر اساس قرآن باشد. ﴿سنقرئك... فذكر﴾
- ج: واعظ باید خود اهل غفلت و نسیان نباشد. ﴿فلا تنسى... فذكر﴾
- د: واعظی موفق است که به امدادهای الهی امیدوار باشد. ﴿سنقرئك... نيسرك... فذكر﴾

۳. تفسیر المیزان.

۲. شرح، ۱.

۱. طه، ۲۵ - ۲۶.

۴. تفسیر المیزان.

پیام‌ها:

- ۱- تبلیغ دین و دعوت مردم به سوی خدا، مشکلات و سختی‌های فراوانی در پیش دارد که خداوند وعده داده است، مبلّغ دین را یاری دهد و تحمل سختی‌ها را بر او آسان سازد. ﴿نيسرك لليسرى﴾
- ۲- به هر کس مأموریتی می‌دهید، گره کارش را باز کنید. ﴿نيسرك لليسرى فذکر﴾
- ۳- تسبیح ما مقدمه کار گشایی خداوند است. ﴿سبح اسم ربك... نيسرك لليسرى﴾
- ۴- نزول وحی برای تذکر به مردم است. ﴿سنقرئك... فذکر﴾
- ۵- شرط تذکر، پند پذیری است و پیامبر نسبت به افراد پندناپذیر مسئولیتی ندارد. ﴿فذکر ان نفع الذکری﴾
- ۶- تنها افراد خداترس تذکر را می‌پذیرند. ﴿سیدکر من یحشی﴾
- ۷- پنددادن افراد خداترس آسان‌تر است. ﴿نيسرك للیسری... سیدکر من یحشی﴾
- ۸- به مبلّغ باید دلداری داد که کارش بیهوده نیست. ﴿فذکر... سیدکر...﴾
- ۹- مبلّغ نباید توقع تأثیر فوری داشته باشد. ﴿سیدکر﴾
- ۱۰- مشکل کفار دوری خود آنان از قرآن و پیامبر است، نه آنکه در این دو عنصر پاک، ضعف یا نقصی باشد. ﴿یتجنّبها﴾
- ۱۱- قرآن میزان است. پندپذیر آن مدال «یحشی» می‌گیرد، «سیدکر من یحشی» و پندناپذیر آن لقب «اشقی» دریافت می‌کند. ﴿و یتجنّبها الاشقی﴾
- ۱۲- دوری از پند و پیام قرآن، مایه شقاوت است. ﴿یتجنّبها الاشقی﴾
- ۱۳- سیره دائمی تیره‌بختان دوری از پند است. ﴿یتجنّبها﴾ در قالب مضارع برای معنای استمرار و دوام است.
- ۱۴- بدبخت‌ترین مردم کسی است که خشیت الهی ندارد. ﴿أشقی﴾ در برابر ﴿یحشی﴾ قرار گرفته است.
- ۱۵- توقع اصلاح همه مردم را نداشته باشید. ﴿سیدکر من یحشی و یتجنّبها الاشقی﴾
- ۱۶- عامل پذیرش و عدم پذیرش در درون خود انسان است. ﴿یحشی... اشقی﴾

۱۷- کیفر به مقدار خباثت است. ﴿اشق - النار الكبرى﴾

۱۸- دوزخ برای گروهی ابدی و همیشگی است. ﴿لایموت فیها و لایحیی﴾

۱۹- خلود در دوزخ، طبیعت دوزخیان را تغییر نمی دهد که دیگر از آتش رنج نبرند، بلکه دائماً در شکنجه هستند. ﴿لایموت فیها و لایحیی﴾

﴿ ۱۴ ﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿ ۱۵ ﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى

(۱۴) به راستی رستگار شد آن کس که خود را (از پلیدی‌ها) پاک گردانید.

(۱۵) نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گذارد.

نکته‌ها:

- تزکیه، آن است که فکر از عقاید فاسد و نفس از اخلاق فاسد و اعضاء از رفتار فاسد، پاک شود و زکات پاک کردن روح از حرص و بخل و مال از حقوق محرومان است.
- در مکتب انبیا، رستگاران پاکان هستند: ﴿قد افلح من تزکی﴾ ولی در مکتب طاغوتیان، رستگاران زورمنداند. فرعون می‌گفت: هر کس پیروز شود رستگار است. ﴿قد افلح الیوم من استعلی﴾^(۱)

- در قرآن رستگاری قطعی، هم برای مؤمنین آمده: ﴿قد افلح المؤمنون﴾^(۲) و هم برای کسانی که خود را تزکیه کرده‌اند: ﴿قد افلح من تزکی﴾ پس مؤمن واقعی همان کسانی هستند که خود را تزکیه کرده باشند.

پیام‌ها:

- ۱- قرآن در پایان برخی آیات می‌فرماید: امید است رستگار شوید. ﴿لعلکم تفلحون﴾ زیرا کار خیر از افرادی که تزکیه نکرده‌اند، با ریا و غرور و گناه و منت‌گذاری محو می‌شود. ولی درباره تزکیه شدگان می‌فرماید: قطعاً رستگارند. ﴿قد افلح من تزکی﴾

۱. طه، ۶۵.

۲. مؤمنون، ۱.

- ۲- تزکیه خود به خود حاصل نمی شود، باید به سراغ آن رفت. «تزکی»
 ۳- تزکیه بدون نماز و عبادت نمی شود. «تزکی، ذکر اسم ربّه فصلی»

﴿۱۶﴾ بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿۱۷﴾ وَالْآخِرَةَ خَيْرًا وَأَبْقَىٰ

﴿۱۸﴾ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ﴿۱۹﴾ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ

مُوسَىٰ

- (۱۶) ولی شما زندگی دنیا را ترجیح می دهید. (۱۷) و حال آنکه آخرت بهتر
 و ماندگارتر است. (۱۸) این سخن در کتب آسمانی پیشین نیز آمده است.
 (۱۹) کتاب های ابراهیم و موسی.

نکته ها:

- در روایات، علاقه به دنیا سرچشمه تمام خطاهاست. «حَبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»^(۱) دنیا پل عبور است، نه توقفگاه، باید از آن عبور کرد و به اقامتگاه رسید. «خَدُوا مِنْ مَمْرَكَمِ لِمَمْرَكَمِ»^(۲)
- در قرآن معمولاً زکات بعد از نماز آمده است: «يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»^(۳) ولی امام صادق علیه السلام می فرماید: در عید فطر پرداخت زکات به فقرا قبل از نماز عید آمده است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ»
- امام رضا علیه السلام از معنای این آیه سؤال کرد: «ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ» شخصی گفت: هرگاه نام خدا را برد نماز بخواند. امام فرمود: این تکلیف سختی است که در شبانه روز هر وقت نام خدا برده شد انسان نماز بخواند. او پرسید: پس معنا چیست؟
- امام فرمود: هرگاه نام خدا برده شد، صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد. «كَلِمًا ذَكَرَ رَبَّهُ صَلَّىٰ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلِهِ»^(۴)

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۳۰. ۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳. ۳. مائده، ۵۵.
 ۴. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۰۸. ۵. تفسیر نورالثقلین.

□ آخرت بهتر از دنیا است، زیرا ویژگی‌های زیر را دارد:

- ۱- جاودانگی زمانی: ﴿خالدین فیها﴾^(۱)
 - ۲- وسعت مکانی: ﴿عرضها كعرض السماء و الارض﴾^(۲)
 - ۳- تنوع در خوراکی: ﴿انهار من عسل﴾^(۳)، ﴿فاکهة کثیر﴾^(۴)
 - ۴- دوری از ترس و اندوه: ﴿آمنین﴾^(۵)
 - ۵- دوستان وفادار: ﴿اخواناً علی سرر متقابلین﴾^(۶)
 - ۶- همسران زیبا: ﴿کامثال اللؤلؤ المکنون﴾^(۷)
- ابوذر از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که خداوند یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر فرستاده که ۳۱۳ نفر آنها رسول و مابقی نبی بوده‌اند و جمعاً ۱۰۴ کتاب داشتند.^(۸)

پیام‌ها:

- ۱- مانع تزکیه، علاقه به دنیا است. ﴿بل توثرون﴾
- ۲- دنیا بد نیست، آنچه مورد انتقاد است ترجیح آن بر آخرت است. ﴿توثرون﴾
- ۳- هرگاه از چیزی انتقاد می‌کنید، نمونه خوب و راهکار آن را نشان دهید. ﴿توثرون... و الاخرة خیر﴾
- ۴- ذکر مداوم نام خدا، راه پاک شدن دل و فکر انسان است. ﴿تزکی و ذکر اسم ربّه﴾
- ۵- توجه به جلوه‌های ربوبیت، عامل یاد خداست. ﴿ذکر اسم ربّه﴾
- ۶- نماز باید بر اساس ذکر و توجه باشد، نه غافلانه و بر اساس عادت. ﴿ذکر اسم ربّه فصلی﴾
- ۷- نمازگزاران زمانی رستگارند که اهل تزکیه و یاد خدا باشند. ﴿تزکی و ذکر اسم ربّه فصلی﴾

۱. آل عمران، ۱۵.	۲. حدید، ۲۱.	۳. محمد، ۱۵.
۴. زخرف، ۷۳.	۵. حجر، ۴۶.	۶. حجر، ۴۷.
۷. واقعه، ۲۳.	۸. تفسیر المیزان.	

- ۸- کتب آسمانی، همسو و هماهنگ با یکدیگر هستند. ﴿انّ هذا لفي الصحف الاولى﴾
۹- در میان کتب آسمانی، کتب حضرت ابراهیم و حضرت موسی امتیاز خاصی دارد. ﴿صحف ابراهیم و موسی﴾

«والحمد لله ربّ العالمین»